

## Challenges of the Islamic Ummah and Seyyed Jamaluddin Asadabadi's Solutions to Overcome Them (Based on Spriggans Crisis Theory)

Received: 2024/01/04

Accepted: 2024/03/13

Seyyed Ebrahim Masoumi\*

(186-212)

During the time of Seyyed Jamal, Islamic countries were backward due to colonialism and tyranny. Therefore, Seyyed Jamal made a lot of efforts to overcome the backwardness of the Islamic world. By studying the Islamic world, he considers the causes of backwardness to be internal (tyranny, distortion of religion, lack of social solidarity, superstitions and ignorance, separation of religion from politics, dependence on the West) and external (colonialism). Raft has presented some of these challenges in two dimensions (theoretical and practical). The current article examines Seyyed Jamal's solutions to overcome this challenge with the model of Spriggan's crisis theory (examining the current and desired situation, identifying the causes of the problem and providing a solution) and finally for the theoretical solution of Seyyed Jamal's own political thought: Fighting autocracy of autocrats, equipping with science and technology, returning to the first Islam, unity of Muslims, instilling the spirit of jihad and fighting in the body of Islamic society, fighting self-defeat against the West, participation and solidarity of people and for a practical solution: dealing with In order to fight against tyranny, inform the people and popularize the trend of authoritarianism, train young forces and institutionalize anti-authoritarian thinking in them, inform the scholars of Balad about the situation in Iran and unite them to confront tyranny, extract the illegitimacy of authoritarian government.

**Keywords:** Seyyed Jamal al-Dindin Asadabadi, Colonialism, Tyranny, Islamic world, Spriggans theory.

---

\* Assistant Professor, Department of Islamic Studies, University of Kashan, Kashan, Iran, masomi6228@kashanu.ac.ir.



## چالش‌های امت اسلامی و راه‌کارهای سیدجمال‌الدین اسدآبادی برای برون‌رفت از آن (بر اساس نظریه بحران اسپریگنز)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۳

سید ابراهیم معصومی\*  
(۱۸۶-۲۱۲)

### چکیده

کشورهای اسلامی در زمان سید جمال به دلیل استعمار و استبداد دچار عقب‌ماندگی شده بودند. بدین خاطر سید جمال تلاش بسیاری جهت برون‌رفت جهان اسلام از عقب‌ماندگی کرد. ایشان با مطالعه جهان اسلام، علل عقب‌ماندگی را دو سطح داخلی (استبداد، مسخ دین، فقدان همبستگی اجتماعی، خرافات و جهل، جدایی دین از سیاست، وابستگی به غرب) و خارجی (استعمار) می‌داند و راه‌کارهایی را نیز برای برون‌رفت از این چالش‌ها در دو بعد (نظری و عملی) ارائه کرده است. مقاله حاضر با الگوی نظریه بحران اسپریگنز (بررسی وضعیت موجود و مطلوب، تشخیص علل مشکل و ارائه راه‌حل) راه‌کارهای سید جمال برای برون‌رفت از این چالش را مورد بررسی قرار داده و در نهایت برای راه‌کار نظری از اندیشه سیاسی خود سید جمال: مبارزه با خودکامگی مستبدان، مجهز شدن به علوم و فنون، بازگشت به اسلام نخستین، وحدت مسلمانان، دمیدن روح جهاد و مبارزه در کالبد جامعه اسلامی، مبارزه با خودباختگی در برابر غرب، مشارکت و همبستگی مردم و برای راه‌حل عملی: برخورد با دربار برای مبارزه با استبداد، آگاهی دادن به مردم و مردمی کردن جریان استبدادستیزی، تربیت نیروهای جوان و نهادینه کردن تفکر ضد استبدادی در آن‌ها، آگاه ساختن علمای بلاد از اوضاع ایران و منسجم نمودن آنان برای مقابله با استبداد، عدم مشروعیت حکومت استبدادی را استخراج کرده است.

**واژگان کلیدی:** سیدجمال‌الدین اسدآبادی، استعمار، استبداد، جهان اسلام، نظریه اسپریگنز.

\* . استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه کاشان، کاشان، ایران، Masomi6228@kashanu.ac.ir

## مقدمه

جامعه اسلامی بعد از ظهور اسلام در یک بازه زمانی به لحاظ علمی توانستند مراتب و درجات خوبی را طی کنند و در تمامی علوم از شیمی، طب، ریاضی و... سرآمد دوره خودشان باشند که از آن به عنوان عصر طلایی نام می‌برند در این دوره مسلمانان علوم مختلف پیشرفت‌های قابل توجهی را به دست آورده بودند اما با رشد و نمایان شدن قدرت غرب در دوره رنسانس کم‌کم جوامع اسلامی از جهاد علمی و پیشرفت خود دست برداشتند و در این میان غرب توانست توسط نهضت ترجمه و استفاده از علمی که از دنیای اسلام به عاریه گرفته بودند خودشان را به پیش ببرند و بر جهان اسلام مسلط شوند همچنین به واسطه سلطه خود، ویرانی‌هایی در اقصی نقاط جهان به بار آوردند از این رو یکی از مهم‌ترین مسائل سیدجمال‌الدین اسدآبادی این بود که چرا امت اسلامی با آن تمدن و فرهنگ غنی و کهن و معارف اصیل اسلامی در راستای تعالی مادی و معنوی جامعه و مردم گرفتار مشکلات مختلفی است و در طول سال‌هایی که غرب پیشرفت کرده است کشورهای مسلمان با آن سابقه شکوفایی علم و تمدن که به عصر طلایی معروف است همچنان در عقب‌ماندگی خود به سر می‌برند و سودای پیشرفت و حرکت را نیز در سر ندارند و به طبع آن برخی از کشورهای خارجی سلطه‌گر توانسته‌اند در خاک این ملل نسبت به مسلمانان قلدری به خرج داده و منابع این کشورها را به یغما ببرند اما اکثر مردم در فقر و گرسنگی به سر ببرند، سیدجمال‌الدین اسدآبادی درد جامعه و ملل اسلامی را تشخیص داده بود و درصدد بود تا بتواند راهکاری برای بهبود و اصلاح جامعه ارائه کند.

سیدجمال به دلیل آشنایی با وضعیت سایر ملت‌های جهان اعم از غربی و غیر غربی، اعتقاد راسخ داشت که بدون تحول فکری هیچ ملتی قادر به تغییر سرنوشت خود نخواهند شد باید در مرحله اول فکر تغییر کند سپس اصلاح در جامعه به وجود بیاید و در نهایت حرکت به سوی تغییر سیاسی و اجتماعی اتفاق افتاد همچنین ایشان دو شرط مهم برای رسیدن به جامعه آرمانی را ذکر می‌کند که آن: مبارزه با استبداد داخلی که شاهان و سلاطین خودکامه به وجود آورده بودند و دیگری استعمار خارجی که کشورهای سلطه‌گر مانند زالو

خون ملت‌های دیگر را می‌مکند و تمام منابع کشورهای زیر سلطه خود را برای پیشرفت و آبادانی خود به سرقت برده و دیگران را به خدمت می‌گیرند و استثمار می‌کنند. لذا ایشان بیداری اسلامی را برای مسلمانان ضروری دانسته تا توسط آن بتوانند از منافع خود در تمامی حوزه دفاع کنند. در نهایت سؤال اصلی این است که چالش‌های امت اسلامی و راه‌کارهای سیدجمال‌الدین اسدآبادی برای برون‌رفت از آن در دیدگاه سیدجمال چیست؟ و فرضیه اینکه انحطاط جهان اسلام ریشه در دو بعد درونی (استبداد) و بیرونی (استعمار) است، و راه‌حل برون‌رفت از بحران را نیز به دو شیوه نظری و عملی در چارچوب نظریه بحران می‌باشد.

#### ۱. پیشینه

در باب زندگی، اندیشه و نتایج فعالیت‌های سیدجمال کارهای پژوهشی زیادی انجام است؛ برای نمونه، پایگاه اینترنتی مرکز بررسی‌های اسلامی، ضمن معرفی مجموعه آثار سیدجمال و ارائه متن کامل برخی آثار سیدجمال به انتشار بعضی مقالاتی که در باب وی نوشته شده نیز اقدام نموده است. مجله حوزه سال ۱۳۷۲، در شماره ۵۹ و ۶۰ فصلنامه تاریخ و فرهنگ معاصر که زیر نظر مرحوم سیدهادی خسروشاهی فعالیت می‌کرد در اولین شماره خود در سال ۱۳۷۱، ویژه‌نامه‌ای را به سیدجمال اختصاص داده‌اند، در باب بعد فلسفی اقدامات سیدجمال، کار درخور توجهی انجام نشده است. عمده اظهارنظرهایی که از این زاویه به اندیشه سیدجمال شده، به رساله نیچریه باز می‌گردد. کریم مجتهدی معتقد است این رساله بیش از آنکه فلسفی باشد اثری در تبلیغ اندیشه دینی است. سید برای از بین بردن اختلافات احتمالی میان دین و علم، قائل به نوعی روح علمی شده و آن را فلسفه نامیده است (مجتهدی، ۱۳۶۳: ۲۰-۲۱). سید جواد طباطبایی نیز معتقد است علیرغم اظهارنظر نویسندگانی همچون علی اصغر حلبی در کتاب زندگانی و سفرهای سیدجمال‌الدین اسدآبادی و فریدون آدمیت در کتاب «ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران» که سیدجمال را در زمره فلاسفه جدید برشمرده‌اند، با توجه به نوشته‌های اندکی که از سیدجمال بدست ما رسیده است، این تلقی درست نیست. وی با ذکر جمالتی از کتاب کریم مجتهدی، به تأیید دیدگاه‌های وی در باب رساله نیچریه می‌پردازد (طباطبایی، ۱۳۶۷: ۴۰۸).

طباطبایی هیچ نامی از رسائل فلسفی سیدجمال و طبقه‌بندی جدیدی که وی از علوم به دست می‌دهد نمی‌آورد. در مقابل دو دیدگاه فوق، مقاله‌ای توسط سید مهدی موسوی نگارش شده که به تأثیرات حکمت متعالیه بر سیدجمال و سپس تأثیر اندیشه‌های سیدجمال بر اندیشمندان دیگر و ایجاد تحولاتی مانند نهضت تنباکو، و انقلاب مشروطیت تمرکز نموده است (موسوی، ۱۳۸۹: ۲۶۷-۳۲۹). پژوهش‌های بسیار خوب و قابل توجهی نیز در باب جایگاه حکمی سیدجمال‌الدین اسدآبادی از سوی سید مهدی امامی جمعه صورت گرفته است که در نوع خود قابل توجه است و پرتوهای روشنی بر بخش‌های دیده نشده اندیشه سیدجمال افکنده است. وی جایگاه سیدجمال را در میان فلاسفه مسلمان بررسی کرده و وی را با داشتن اساتیدی مانند حسینقلی همدانی و... در سلسله‌مراتب شاگردان ملاصدرا قرار داده و حتی عنوان ملاصدرای قرن ۱۳ را به او می‌دهد. مطالعه دقیق آثار اسدآبادی و ارائه براهین و استنادات دقیق برای ادعاهایی که در باب سید طرح می‌کند، پژوهش وی را بسیار متقن و کاربردی نموده است. وی منابعی را ذکر می‌کند که در آن‌ها بر مطالعات و اشراف سیدجمال در فلسفه متعالیه اشاره دارند. در باب تأثیرات سیاسی اندیشه سیدجمال‌الدین اسدآبادی نیز کتابی با نام سیاسی سیدجمال‌الدین اسدآبادی توسط ضابط پور در سال ۱۳۸۷ و کتابی با عنوان سیدجمال‌الدین اسدآبادی؛ مصلحی متفکر و سیاستمدار توسط موثقی در سال ۱۳۸۸ نوشته شده است.

در باب فعالیت‌های قرآنی و تأثیرات آن بر جامعه و تحولات معاصر نیز پژوهش‌های کمتری صورت گرفته است. مهمترین اثری که در باب فعالیت‌ها و تأثیرات قرآنی سیدجمال شده است، مقاله‌ای است از دکتر هادی رضوان که تلاش کرده است هم فعالیت‌های عملی سید به‌ویژه در انجمن وطنی مصر و اشاره به مواردی از توجه سید به قرآن از دوران کودکی تا بزرگسالی و هم فعالیت‌های علمی او به‌ویژه در تفسیر مفسر و نیز نشان دادن توجه سید به آیات قرآن در نوشته‌های مختلفی نوشته نسبتاً جامعی بنویسد. این مقاله به نظر کامل‌ترین مقاله‌ای است که در باب فعالیت‌های قرآنی سیدجمال تاکنون نوشته شده است.

مقاله «حکمت و سیاست در اندیشه سیدجمال‌الدین اسدآبادی» توسط نجمه کینخا در سال ۱۳۹۹ تألیف شده است، این مقاله به دنبال بررسی جایگاه و نقش حکمت در تحولات

جامعه و سیاست در اندیشه سیدجمال است و این پرسش اساسی را طرح می‌کند که چه نوع حکمتی و با چه سازوکاری توانست تحولی در نوع نگاه به قرآن و در حل مسائل سیاسی و اجتماعی پدید آورد؟ از آنجا که سیدجمال «آئینه وجه تاریخی و عینی حکمت اسلامی است که در شخصیت او و جریانات ناشی از او تجسم یافته» است، مقاله فوق با الهام از مباحث او راه‌حلی برای خروج حکمت معاصر اسلامی از رکود و تأثیرگذاری بیشتر بر تحولات سیاسی و اجتماعی زمانه ارائه داده است. این مقاله در دو محور سامان جایگاه حکمت در اندیشه سیدجمال‌الدین اسدآبادی و کارکردهای حکمت در سیاست و جایگاه قرآن در طرح فلسفی سیدجمال کار کرده است.

مقاله پیش رو با عنوان چالش‌های امت اسلامی و راه‌کارهای سیدجمال‌الدین اسدآبادی برای برون‌رفت از آن (بر اساس نظریه بحران اسپریگنز) با مقالات فوق متفاوت بوده چون مقاله حاضر اندیشه سیدجمال را هم به لحاظ نظری و هم به لحاظ عملی در راستای حل چالش مسلمانان در قالب نظریه بحران اسپریگنز مورد بررسی قرار داده است و نوآوری مقاله در این است که آراء و اندیشه سیدجمال در چارچوب نظریه بحران بررسی شده و خروجی‌های این چارچوب برای رهایی جامعه اسلامی از مشکلات خود مورد مطالعه قرار گرفته است.

## ۲. نظریه بحران اسپریگنز

نظریه بحران اسپریگنز دارای چهار مرحله است:

۱. مرحله اول زمانی است که نظریه‌پرداز بحران‌های موجود در جامعه را می‌بیند و لمس می‌کند، لذا زمانی که در جامعه‌ای بحران و مشکل اساسی شروع می‌شود نظریه‌پرداز آن را حس می‌کند لذا اولین مسئله در این موقع مشاهده حسی و شناسایی بحران در محیط پیرامونی خود می‌باشد.

۲. پس از مشاهده بحران در جامعه پیش رو نظریه‌پرداز به سمت مرحله دوم بعد از شناسایی بحران یعنی علت به وجود آمدن بحران، حرکت کرده و به دنبال تشخیص علت وجود چنین بحرانی در جامعه پیرامونی خود می‌باشد. در این مرحله به دنبال کشف علت

به وجود آمدن بحران موجود در جامعه می‌باشد تا بتواند به وسیله تشخیص علت اصلی بحران، راه کار مناسبی برای حل آن ارائه کرد.

۳. در این مرحله نظریه پرداز پس از مشاهده بحران و بررسی و شناخت علت اصلی بحران، شروع به بازسازی ذهنی جامعه مورد نظر خود می‌کند و جامعه آرمانی یا مدینه فاضله‌ای را در ذهن خود طراحی کرده تا بتواند جایگزین جامعه فعلی که با بحران و چالش جدی روبرو شده است، باشد، این مرحله، صرفاً ترسیم جامعه آرمانی توسط نظریه پرداز بوده تا بتواند زمانی که جامعه با خلأ مواجه شد بتواند جایگزین مناسبی باشد.

۴. در نهایت نظریه پرداز پس از طی سه دوره مشاهده بحران، تشخیص علت بحران و ترسیم جامعه آرمانی به دنبال اجرایی کردن راه حل جامعه بحرانی بوده تا بتواند جامعه را از مرگ نجات داده و درمان کند، در این مرحله نظریه پرداز به مثابه طبیبی که درصدد علاج بیمار خود است، نظریه پرداز نیز داروی مناسب برای اصلاح جامعه و نجات آن از سقوط به پرتگاه را ارائه می‌دهد و باعث نجات جامعه می‌شود (اسپریگنز توماس، ۱۳۷۰: ۹۳، ۱۴۷، ۱۷۴، ۱۸۲، ۱۸۹، ۲۳۵).



شکل ۱: نظریه بحران اسپریگنز

(منبع: یافته‌های پژوهش)

### ۳. شناخت بحران در جوامع اسلامی

بعد از شروع رنسانس و انقلاب صنعتی در اروپا و کمبود منابع برای تأمین مواد اولیه کارخانه‌ها ایجاد شده در کشورهای عمدتاً اروپای غربی، این کشورها تصمیم گرفتند کشورهای پیرامونی خود در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین را مورد تهاجم قرار داده تا بتوانند مواد اولیه مورد نیاز خود را به صورت ارزان به دست آوردند از این رو پدیده استعمار در سایر

کشورها رخ نمایان کرد و برای اینکه بتواند کار خود را به راحتی پیش ببرد با حمایت خود افراد دست‌نشانده‌ای به عنوان حاکم یا پادشاه در کشورهای مشخص شده قرار داد تا بتواند منافع دول غربی را تأمین کند لذا مهم‌ترین مؤلفه دولت‌های دست‌نشانده در سایر کشورها و جوامع اسلامی عدم مقبولیت و مشروعیت مردمی این دولت‌هاست، اما آنچه پرواضح است در طول دو سده اخیر ضربات جبران‌ناپذیری بر پیکره سایر ملل از جمله ملت‌های مسلمان توسط دولت‌های غربی و ایادی آن‌ها وارد شده است و مهم‌ترین عامل عقب‌ماندگی در دنیای اسلام به شمار می‌رود. از این‌روست سیدجمال‌الدین اسدآبادی (۱۲۱۷-۱۲۷۴ش) در نیمه قرن نوزدهم میلادی توانست در عرصه فکر، اندیشه و سیاست و همچنین نوع نگاه جامعه اسلامی به پدیده استبداد و استعمار، خوانش جدید پدید آورد. این تحول همانا تأکید بر کاربردی کردن نگاهی اجتماعی و حل‌المسائلی به قرآن بود. وی در هند، مصر و ایران به‌گونه‌ای جریان‌سازی نمود که در پرتو آن ایده بازگشت به حاکمیت و نظام سیاسی اسلامی توسط او و شاگردانش ایجاد شد. برخی از مفسران قرآن کریم در دوران معاصر همه به‌گونه‌ای متأثر از سیدجمال هستند و تحولات سیاسی اجتماعی بزرگ در ایران معاصر را متأثر از فعالیت‌های وی می‌دانند. تحول فوق حاصل نگاه آسیب‌شناسانه سیدجمال‌الدین به وضعیت علمی و سیاسی جوامع اسلامی و یافتن نقطه مرکزی آسیب یعنی ضعف تفکر در قرآن و رجوع به قرآن است. از آنجاکه دغدغه وی فهم علت عقب‌ماندگی مسلمانان در دوران معاصر است، علت را در جایی جستجو می‌کند که منشأ و کارگزار اصلی علت‌یابی است و این عامل همان عدم توجه و رجوع به قرآن است. قرآن از چرایی، علت، اسباب پدیده‌ها و رخدادها بحث می‌کند. و انسان‌ها را مکلف می‌کند در مقابل ظلم ایستادگی کنند. این ویژگی، سبب نوعی حرکت و جستجوگری در جامعه می‌شود. وقتی از علت پدیده‌هایی مانند عقب‌ماندگی و انحطاط پرسش شود و منشأ آن‌ها مشخص شود، حرکت به سمت رفع مشکل هم برداشته می‌شود اما اگر چراغ علت‌یابی و پرسشگری ذهن خاموش باشد حرکتی برای تغییر ایجاد نخواهد شد. ایجاد علوم و صنایع و اختراعات مختلف از نتایج تفکر است. وی معتقد است قرآن نوعی روح فلسفی ایجاد می‌کند که سبب حرکت جامعه می‌شود. این اتفاق در صدر اسلام با ایجاد تحول در عرب



جاهلی رخ داد و به ترجمه و یادگیری علل مختلف و ایجاد دولت و تمدن در جهان اسلام انجامید.

سیدجمال به کشورهای مختلف اسلامی و اروپایی سفر کرد و با علوم جدید و افکار نو در غرب آشنا شد. وضعیت فکری و مادی کشورهای مسلمان و کشورهای اروپایی را باهم مقایسه می‌کرد و در تلاش برای فهم علت این تفاوت‌ها و یافتن راه چاره بود. مسلمانان با پیشرفت‌های علمی و تکنیکی غرب آشنا شده بودند و رفتن به فرانسه و انگلستان و سایر کشورهای غربی جاذبه زیادی در اذهان آنان داشت. از نیمه‌های قرن هجده ابعاد استعماری غرب هم کم‌کم آشکار می‌شد و سیدجمال که از نزدیک شاهد این تحولات در مناطق مختلف بود نسبت به آن هشدار می‌داد. مجموعه این عوامل یعنی تحصیل نزد اساتید بزرگ دینی، مراودات دوستانه با علمای بزرگ و مؤثر، سیاحت در کشورهای مختلف اسلامی و اروپایی و تأمل در اوضاع نابسامان مسلمانان سبب شد راه‌حل‌های وی برای عبور از انحطاط و بحران قابل توجه و بررسی گردد (اسدآبادی، ۱۳۴۸: ۱۰۴؛ صاحبی، ۱۳۷۵: ۲۵۶؛ مدرسی چهاردهی، ۱۳۶۰: ۱۵۶؛ مطهری، ۲۰: ۱۳۷۲).

#### ۴. علل وجود بحران در جوامع اسلامی

سیدجمال مهم‌ترین علل وجود بحران در جوامع اسلامی و همچنین علل عقب‌ماندگی جوامع اسلامی را در دو حوزه داخلی و خارجی می‌داند و معتقد است تا زمانی که جهان اسلام دنبال راه‌حل برای آن نباشند زیر سلطه استبداد و استعمار خواهد بود، این شرایط در دوره سیدجمال با شدت بیشتری در کشورهای اسلامی به چشم می‌خورد (اسدآبادی، ۱۳۴۸: ۱۱۲-۱۲۲).

جدول ۱: علل وجود بحران در جوامع اسلامی

خارجی	داخلی	
استعمار	استبداد	۱
	دور شدن از معارف اصیل اسلام	۲
	عدم وحدت اجتماعی	۳
	خرافات و جهل	۴
	جدایی دین از سیاست	۵
	وابستگی به غرب	۶

(منبع: یافته‌های پژوهش)

## ۴-۱. بحران داخلی

### ۴-۱-۱. استبداد

استبداد پدیده‌ای است که در طول هزاران سال در حوزه تمدنی کشورهای مسلمانان وجود داشته و بعد از اسلام نیز توانستند اسلام اصیل را از جاده اصلی خود منحرف کرده و بساط سلطنت و استبداد را در کشورهای اسلامی زنده کنند لذا بنا به دیدگاه سیدجمال، سلطنت و استبداد موجب آزادی و عدالت در هیچ دوره‌ای از تاریخ نبوده و همچنین در آینده نیز نخواهد بود و ایشان در مقابل سلطنت اقتدارگرا به نوعی حکومت قانون مدار اعتقاد دارد. سیدجمال اعتقاد دارد علت عقب ماندگی کشورهای اسلامی و ملل مسلمان نبود آزادی فکر و عمل است و این جهل زوری نیز به دلیل وجود دولت‌های مستبد اقتدارگرایی است که تمایل به پیشرفت و توسعه علمی کشورهای خود نداشته‌اند (مدرسی چهاردهی، ۱۳۶۰: ۶۴). لذا ایشان درباره حکومت استبدادی چنین می‌گوید:

تا شکل زندگانی سیاسی در ممالک اسلامی تغییر نیابد و حکومت مشروطه جای حکومت استبدادی را نگیرد، نجات بر مسلمانان میسر نیست (طباطبایی، ۱۳۶۷: ۲۶).

همچنین ایشان درباره حکومت سلطنتی اقتدارگرای بدون قانون چنین می‌گوید:

تا زمانی که ملت در نادانی و جهالت خود باقی هستند، حکومت فردی دوام پیدا می‌کند. هنگامی که نور معرفت در ملتی درخشندگی داشت، نخستین کارش به وجود آوردن نهضت آزادی و رهایی از قیود زنجیرها و طرز حکومت‌هایی است که متناسب با شئون اجتماعی او باشد (مدرسی چهاردهی، ۱۳۶۰: ۳۴).

بنا به مطالب مطرح شده در اندیشه سیاسی سیدجمال، استبداد همواره در کشورهای اسلامی به دلایل متعدد شخصی و حفظ حکومت‌های خودکامه سعی بر ضعیف نگه داشتن مردم کردند و اجازه فعالیت و علم‌اندوزی به ملت‌ها و جوانان داده نشد تا جایی که سطح سواد در دویست سال اخیر در بین کشورهای مسلمان خیلی درصد پایینی را به خود اختصاص داد در حالیکه که کشورهای مسلمان در دوره‌ای علم و صنعت را در اختیار خود داشتند و عصر طلایی علم در اختیار مسلمانان بود از مهم‌ترین دلایل این نوع رفتار در

جوامع مسلمان نفوذ سلطه غرب در بین سلاطین اسلامی برای دور نگه داشتن ملل مسلمان از پیشرفت و تمدن بوده است تا بتوانند در بی‌خبری کامل منافع خود را از طریق منابع اولیه این مرزوبوم استخراج و استفاده نمایند تا خود بر دنیا بزرگی کرده و سایر ملت‌ها نیز به‌عنوان رعیت برای آن‌ها کار کنند، اما تلاش سیدجمال برای علنی کردن این برنامه به کشورهای مختلف سفر می‌کرد و مجله و روزنامه به راه انداخت تا بتواند حرف‌های ملت‌های ستم دیده را به گوش سایر ملل نیز برساند تا مردم با اتحاد بتوانند این پرده ظلم را شکافته و خود امور و مصالح کشورهای خویش را به دست گیرند (اسدآبادی، ۱۳۷۹: ۱۱۶؛ مطهری، ۱۳۷۷: ۸۹-۹۵؛ اسدآبادی، ۱۳۴۹: ۷۸).

#### ۴-۱-۲. دور شدن از معارف اصیل اسلام

عمل کردن به معارف اصیل اسلامی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های پیشرفت در دوره طلایی اسلامی است اما در گذر زمان انحرافات در انتقال معارف اصیل اسلامی به مسلمانان پیش آمد که باعث شد جامعه اسلامی از معارف اصیل خود دور شده و دسترسی صحیح به معارف اسلام نداشته باشند بدعت‌هایی که در دین مبین اسلام به وجود آوردند در ابتدای امر قابل توجه نبود بلکه رفته‌رفته تأثیر خود را در تمامی حوزه‌های علمی و اعتقادی گذاشت و باعث ایجاد آسیب‌های فراوانی در سبک زندگی مسلمان ایجاد شد و تمدنی که مسلمانان شروع کرده بودند و درهای علم را به جامعه اسلامی گشوده بود در مدت خاصی این جامعه را از حوزه علم و پیشرفت دور کرده و مسلمانان را رفته‌رفته به سایر ملل وابسته کرد حتی در این گذر تعابیر مهمی مانند جهاد و دفاع در بین برخی از سران ملل اسلامی به‌صورتی توجیه و تعبیر شد که خاصیت اصلی خود را کنار گذاشته و به سمت همراهی و کنار آمدن با ملل زورگو و سلطه‌گر شدند، درنهایت این امور باعث شد مسلمانان از کاروان علم دور بیافتند در حالیکه پیشرفت در حوزه علم و صنعت منافاتی با حفظ معارف اصیل اسلامی نداشت و ماحصل این موارد وابسته شدن ملل مسلمان به دول غربی که در دوره رنسانس پیشرفت کرده بودند، شد (اسدآبادی، ۱۳۷۹: ۷۰؛ مقدم، ۱۳۷۴: ۱۲۶).

#### ۴-۱-۳. عدم وحدت اجتماعی

مهم‌ترین مؤلفه در رشد و پیشرفت مسلمانان، وحدت اجتماعی بود در دوره‌ای که در جهان اسلام اتحاد اجتماعی وجود داشت و مسلمانان در تلاش بودند تا بتواند عرصه‌های علم و پیشرفت را طی کنند، دنیا شاهد رشد چشمگیر علمی این تمدن نو بود اما از هم‌گسیختگی اجتماعی در برهه‌ای از تاریخ مسلمانان و دور ماندن جامعه اسلامی از مقوله علم و از بین رفتن جایگاه علم و دانش و راحت‌طلبی آن‌ها باعث شد روحیه خودباختگی، عدم روحیه توسعه و پیشرفت، خمودگی و... در جهان اسلام پدیدار شد و همچنین روحیه راه‌طلبی باعث ورود سایر کشورها در بین مسلمانان شد تا نیات ناپاک خود را عملی سازند و موفق شدند خیلی از کشورهای اسلامی را تحت سلطه خود درآورند این عامل در گذر زمان باعث رکود جامعه اسلامی شده و جامعه اسلامی را به قهقرا کشاند. از این رو سیدجمال در این باره می‌گوید:

اینان (مسلمانان) در ظاهر هیأت اجتماع دارند لکن دارای وحدتی نیستند... ملت اسلام همچون جسمی عظیم و نیرومند و تندرست بود تا این که عوارضی چند که جزاً به هم پیوسته و سالم آن را تضعیف کرد، بر آن وارد آمد و به سوی از هم‌گسیختگی و تلاشی سوقش داد. سرانجام هنگام آن که هر جزئی از این کل جدا گردد و بیکره این جسم از هم متلاشی شود، فرارسید (اسدآبادی، ۱۳۷۹: ۱۰۵؛ افشار، ۱۳۸۹، ج ۲: ۲۳۲).

#### ۴-۱-۴. خرافات و جهل

یکی از عواملی که همه جوامع را تهدید می‌کند و باعث عدم رشد آن جامعه می‌شود رواج خرافات و جهل در بین جامعه است، در دوره‌های تاریخی وجود دو عامل ایجاد جهل در جامعه و رواج خرافات به وجود آمد برای اینکه مردمان در جهل کامل خود غوطه‌ور شده تا نتوانند حق را از باطل تشخیص داده و حقوق انسانی و اجتماعی خود را دریافت کنند این عامل باعث شد حکومت‌های خودکامه به ظلم خود ادامه دهند لذا در چنین فضایی سلاطین، از فضای موجود استفاده کرده و حکومت‌های خود را گاه‌به‌گاه به چند صد سال نیز تسری می‌دادند چون از جهل مردم سوءاستفاده کرده و مردم را در بی‌خبری نگه می‌داشتند از

طرفی نیز برای اینکه مردم روزی از جهل خود آگاه نشوند آن‌ها را به جاده خرافات کشانده و از راه اصلی منحرف می‌کردند تا دیگر نتوانند نسبت به پیرامون خود بینش درستی را داشته باشند. در جامعه اسلامی زمانی که عصر طلایی علم و دانش شروع شد خبری از جهل و خرافات نبود و مسلمانان توانستند مراتب علمی را طی کنند و به درجات بالای علمی در اکثر حوزه‌های تمحص برسند اما در گذر زمان با وجود حکومت‌های خودکامه در ملل اسلامی علم به فراموشی سپرده شد و برای اینکه افراد مستبد بتوانند بر اریکه قدرت تکیه بزنند مردم را در جهل کامل نگه داشته و خرافات را در بین آن‌ها گسترش دادند تا بتوانند حکومت‌های خود را ادامه دهند لذا یکی از آفت‌های مسلمانان در جوامع اسلامی، وجود جهل و خرافات می‌باشد که سیدجمال نیز بدان به خوبی اشاره می‌کند (اسدآبادی، ۱۳۷۹: ۸۵؛ مجتهدی، ۱۳۶۳: ۱۵۲).

#### ۴-۱-۵. جدایی دین از سیاست

از زمان ظهور اسلام و ایجاد حکومت اسلامی، همواره سیاست با دیانت درهم آمیخته بود و خلیفه کسی بود که علم و سیاست را در خود جمع کرده بود و این امر باعث عدم تشتت در حوزه دین و سیاست بود اما با گذر زمان و تهی بودن خلفا از امور دینی، کم‌کم دین را از سیاست جدا کرده و امور دین به عده‌ای و سیاست به عده‌ای دیگر واگذار شد که در رأس امور قرار می‌گرفتند. این موضوع رفته‌رفته در جامعه اسلامی پذیرفته شد و در قرن ۱۳ هجری برخی از روحانیون نیز بر همین موضوع تأکید داشتند و دین را از سیاست جدا می‌دانستند و آن را نیز ترویج می‌کردند همچنین در جبهه روشنفکران غربی نیز عده‌ای بودند که برای مطامع غربی طبل جدایی از دین و سیاست را می‌کوبیدند و تصورشان بر این بود که برای مبارزه با سلطنت و خودکامگی شاهان مستبد تنها راه رهایی پیاده کردن مدل غربی در حکومت‌داری و کشورداری است و جدایی دین از ساحت سیاست است همچنانکه در غرب بعد از رنسانس همین موضوع انجام شد و دین را از ساحت سیاست و اجتماع جدا کردند. اما سیدجمال مخالف جدایی دین از سیاست بود و ایشان بر این امر معتقد بود که برای از بین بردن استبداد داخلی و استعمار خارجی باید مسلمانان یک‌صد با هم حرکت

کنند تا بتوانند حکومت‌های خودکامه استبدادی را از بین ببرند و در نهایت بتوانند در حوزه داخلی و خارجی سرنوشت خویش را خودشان بدست گیرند. ایشان ریشه رخوت و سستی بین مسلمانان را از زمانی می‌داند که دین از سیاست جدا شد و اختلاف بین دین‌داران و سیاست‌مداران پیش آمد و نتوانستند در یک جبهه واحد در حوزه رشد و پیشرفت گام بردارند لذا با جدایی دین از سیاست، سلطنت در اسلام به وجود آمد که منجر به خودکامگی و استبداد در جهان اسلام شد و حقوق مسلمانان برای نیل به اهداف شوم خود زیر پا گذاشته شد لذا حکومت‌های خودکامه برای اینکه بتوانند قدرت خود را حفظ کنند به جای تکیه بر مردم خود، به کشورهای دیگر تکیه کرده و پای استعمار را به جهان اسلام باز کردند و همچنین جدایی دین از سیاست و اختلافات فراوان بین دین‌داران و سیاست‌مداران را باعث هجوم گسترده برخی اقوام مانند: مغول‌ها، تیمور و... به تمدن اسلامی شد. در نهایت سیدجمال برای پیوند دین و سیاست چنین می‌گوید:

دین مطلقاً سلسله‌ی انتظام هیئت اجتماعی است و بدون دین هرگز اساس مدنیت محکم نخواهد شد، امیدوارم که حاکم و سلطان همه‌ی ملت‌های مسلمان تنها قرآن باشد و عامل وحدت و یگانگی آنان دین آن‌ها «(اسدآبادی، ۱۳۵۹: ۵۵).

#### ۴-۱-۶. وابستگی به غرب

یکی از مهم‌ترین مؤلفه برای هر تمدن، کشور یا ملتی استقلال آن از سایرین است استقلال نه به این معنی که قطع ارتباط با سایر ملل باشد بلکه در عین ارتباط، استقلال سیاسی، جغرافیایی، فرهنگی و... خود را حفظ کند این چنین ملتی همیشه در راه رشد و تعالی خواهد بود و مشکلات را از پیش روی خود بر خواهد داشت، اما اگر ملتی به دلایل مختلف همیشه در تشمت باشد و نتواند وحدت خود را حفظ کنند در نهایت استقلال خود را از دست داده و در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، جغرافیایی و... استقلال خود را از دست داده و مطیع سایر ملل خواهد شد، این همان مسئله و مشکلی است که تقریباً دو قرن جهان اسلام با آن مواجه است و ملت‌های مسلمان به دلیل سستی و رخوت در بین خود به عدم رشد و توسعه علم و صنعت دچار شدند و ناگزیر به سایر دول وابسته شده و تقریباً به کشورهای کاملاً مصرف‌گرا تبدیل شدند این مسئله سیدجمال را در طول مبارزات خود رنج می‌داد

اینکه جامعه اسلامی با آن سابقه طلایی، چرا وابسته کشورهایی که تازه به رشد و توسعه رسیدند، باشد، و همواره خود و نخبگان خود را در مقابل غربی کوچک و حقیر می‌شمارند و غربی‌ها را شخصیت‌های بزرگ و با فهم و کمال می‌دانند این همان خود تحقیری است که به دلیل عدم استقلال و وابسته شدن به ملت‌ها دست می‌دهد لذا سیدجمال در این باره چنین می‌گوید:

این‌گونه افراد هر کار خوبی را از هم‌وطنان خود زشت می‌بینند و هر بزرگی از افراد جامعه خود را کوچک می‌شمارند ولی اگر بیگانه‌ای حرف‌های بی‌سروته بزند سخنان او را گران‌بها و پر از حکمت و دانش می‌دانند، افکار خوب و خیالات عالی‌ه را یادگرفتن باعث نمی‌شود خود شخص، صاحب افکار عالی‌ه شود. کسی که خود صاحب افکار عالی‌ه نباشد افکار دیگران را نخواهد فهمید و به موارد و متعلقات آن پی نخواهد برد، کور مادرزاد از شنیدن کیفیات رنگ‌ها نه ماهیات آن را خواهد فهمید و نه بر لوازم و خواص آن‌ها می‌تواند آگاه شود (جمالی، ۱۳۷۹: ۲۴).

وی همچنین در جای دیگر درباره نوع تربیت، خدمت و خیانت به کشور چنین عنوان می‌کند:

اگر بچه‌ای از فرانسه به بلاد آلمان فرستاده شود و در آن بلاد بر حسب تربیت استاد خوی و عادت جرمنی‌ها را فرا گیرد و قوم و ملت خود در نظرش منفور و حقیر شمرده شود آیا می‌توان گمان برد که آن کودک خادم ملت فرانسه شود آیا تربیت‌کننده او را می‌توان دوستدار ملت فرانسه دانست؟ سید این نوع تربیت را از بی‌تربیتی بدتر می‌داند و می‌نویسد: بی‌تربیتی هزار مرتبه بهتر است از آنکه شخص به‌نوعی تربیت شود که به‌جای منفعت موجب مضرت اهل وطن شود اخذ علم جدید اگر چه واجب و لازم است اما باید مبتنی بر فرهنگ خودی باشد. این کاری است که ملت ژاپن انجام دادند. آن‌ها ضمن اخذ علوم جدید از غرب آن را با فرهنگ ژاپن ممزوج کردند و با نگاه بدبینانه به غرب توانستند در اندک مدتی رشد صنعتی بالایی داشته باشند (اسدآبادی، ۱۳۵۵: ۳۸).

## ۲-۴. خارجی

### ۱-۲-۴. استعمار

بعد از رشد صنعت در غرب، اولین رویارویی‌های مهم جهان اسلام با غرب آغاز شد و کشورهای غربی برای به تأمین منابع اولیه برای کارخانه‌های خود نیاز به کشورهای غرب آسیا پیدا کردند اما به جای پرداختن بهاء مواد اولیه، برنامه‌هایی را طراحی کردند تا بتوانند به صورت بهاء ارزان یا مجانی مواد خود را تهیه نمایند، در برخی کشورها با ارباب و تهدید و کشتار، در برخی به صورت افراد دست‌نشانده و تطمیع آن‌ها و... توانستند بر مناطق اسلامی به مدت دو قرن سیطره پیدا کنند. سیدجمال در زمانی پا به عرصه فعالیت‌های سیاسی ضد استبدادی و ضد استعماری می‌گذارد که غرب در عمده کشورهای اسلامی ورود کرده و از طرق مختلف توانسته است حکام آن‌ها را با نقشه‌های پلید خود همراه سازد، سید از معدود شخصیت‌هایی بود که جهان اسلام و غرب را دیده بود و وضعیت ملل مختلف را از نزدیک بررسی کرده بود لذا ایشان عقب‌ماندگی کشورهای مسلمان را به وضوح مشاهده می‌کرد و در تلاش بود تا این موضوع را به حکام و مردم ملل اسلامی تبیین کند از این رو تمام تلاش خود را به کار بست تا هم چهره واقعی استبداد و هم چهره واقعی استعمار را به مردم نشان دهد چون ایشان معتقد بود استبداد برای حفظ قدرت خود به ناچار باید از طرف حامی خارجی حمایت می‌شد تا می‌توانست قدرت غیر مقبول مردمی خود را حفظ کند و همچنین استعمار هم برای اینکه بتواند مواد اولیه خود در ملل اسلامی را به دست آورد باید از دست‌نشانده خود حمایت کرده و او را بر تخت سلطنت نگه دارد. از این رو سیدجمال در توصیف استبداد چنین می‌گوید:

این استعمار که از نظر لغت به معنی آباد کردن است از لحاظ معنی حقیقی و اصیل به عقیده‌ی من از اسماء اضداد است. زیرا این استعمار یعنی استعباد و بنده و برده ساختن آزادگان و خاصه استعمار به معنی تخریب نزدیک‌تر است تا تعمیر و عمران (اسدآبادی، ۱۳۷۹: ۷۴؛ عنایت، ۱۳۵۸: ۹۹).

ایشان همچنین بر این اعتقاد داشت که:

جنگ‌هایی که به وسیله قدرتمندان و سرمایه‌داران غربی پدید می‌آیند، برآمده از



چالش‌های امت اسلامی و راه کارهای سیدجمال... - سیدابراهیم معصومی (۲۱۲-۱۸۶) / ۲۰۱۱

سلطه‌گری‌ها و سودپرستی‌ها و گسترش قلمرو قدرت آن‌هاست که البته تحت عناوین زیبایی چون وطن، ملت و دفاع از سرزمین صورت می‌گیرد (عنایت، ۱۳۵۸: ۱۰۰؛ اسدآبادی، ۱۳۷۹: ۷۳).

سیدجمال در جایی دیگر درباره این موضوع چنین می‌گوید:

دولت‌های مقتدر سقوط نکردند مگر با دخالت بیگانگان. او معتقد بود که انگلستان نه تنها قدرتی استعماری، بلکه دشمن اصلی مسلمانان است، از این رو قصد آن‌ها را نابودی اسلام می‌شمرد (اسدآبادی، ۱۳۷۹: ۷۶؛ مقدم، ۱۳۷۴: ۱۲۶).

## ۵. جامعه مطلوب از دیدگاه سیدجمال‌الدین اسدآبادی

هر مصلحی در جامعه خود پس از آسیب‌شناسی و شناخت بحران‌های جامعه و بررسی عوامل دخیل در وضعیت به وجود آمده، جامعه مطلوب و آرمانی را پیش روی جامعه ارائه می‌کند، همچنانکه افلاطون پس از نقد و آسیب‌شناسی جامعه عصر خود، جامعه مطلوب و آرمانی را برای یونان عصر خویش ارائه می‌دهد، هر اندیشمندی در حوزه سیاسی اجتماعی پس از ترسیم وضعیت موجود و آسیب‌شناسی آن، جامعه آرمانی یا مطلوب خویش را بازگو می‌کند، سیدجمال نیز پس از بررسی جامعه اسلامی عصر خویش و برشمردن بحران‌های آن و همچنین بررسی عوامل ایجاد بحران در جوامع، جامعه مطلوب و آرمانی خویش را بازگو می‌کند. در بررسی آراء سیدجمال در مکتوباتش می‌توان به جامعه مطلوب ایشان دست پیدا کرد. ایشان یکی از مهم‌ترین شرایط دست یافتن به مدینه فاضله‌ای که در ذهن خود دارد را بازگشت به دیانت اصیل اسلامی می‌داند و عنوان می‌کند برای اینکه ما بتوانیم به هویت و جایگاه اصلی خود برسیم باید به اسلام اصیل برگردیم و دیانت اسلامی را شیوه راه خود قرار دهیم، در کنار این موضوع ایشان عدالت و مساوات بین مسلمانان در جامعه توسط حکام را جزو لاینفک این موارد می‌داند و اعتقاد دارد که باید حاکمان باید بر مبنای عدالت و تساوی بین مردم حکومت کنند (مدرسی، ۱۳۶۱: ۶۳).

در آراء و اندیشه سیدجمال، مقابله با استبداد و دیکتاتوری یکی از مهم‌ترین مقوله‌ها به شمار می‌رود و ایشان در طول مبارزات خود سعی داشت استبداد را از کشورهای اسلامی محدود کرده و برخی کشورها از میان بر دارد، چون معتقد بود که استبداد و خودکامگی

موجب آزادی و عدالت نمی‌شود در حالیکه که همه حکومت‌ها تشکیل شده‌اند تا عدالت را برقرار کنند اما در مللی که استبداد حاکم است در آن آزادی و عدالت جای خود را به بی‌عدالتی و عدم مساوات و سوءاستفاده از قدرت داده است (مدرسی، ۱۳۹۰: ۳۲۱؛ واثقی، ۱۳۵۵: ۴۰۸). در بررسی اندیشه سیاسی سیدجمال مبرهن است که ایشان در پاره‌ای اوقات، حکومت مشروطه را برای کشورهای اسلامی به صلاح می‌داند و در برخی ایام دیگر آن را در کشورهایی مانند ایران و مصر به صلاح نمی‌داند این نوع نگرش شاید به دلیل نوع فعالیت‌ها و رویکرد حکومت نسبت به مردم و جامعه این نوع نگاه را داشته است (حائری، ۱۳۶۴: ۵۷؛ سمندر، ۱۳۶۰: ۱۳۷).

درنهایت جامعه آرمانی سیدجمال، جامعه‌ای بدون استعمار و استبداد و بازگشت به اسلام اصیل است که با پیاده کردن اسلام می‌توان به اوج عزت و پیشرفت رسید و همچنین جامعه‌ای که وحدت بر سرتاسر آن حاکم باشد و مسلمانان مردمی آگاه، آشنا به صنعت و فنون عصر خود باشند.

#### ۶. راهکارهای برون‌رفت از بحران در جوامع اسلامی

در بررسی آراء و اندیشه سیدجمال، ایشان در ابتدا مشکلات و بحران‌های جوامع اسلامی در عصر خود را مطرح، سپس عوامل به وجود آمدن این بحران‌ها و همچنین ترسیم جامعه مطلوب و مفید برای ملل اسلامی را در آثار خود ارائه کرده است و درنهایت ایشان راهکارهایی برای رسیدن به جامعه مطلوب را به شکل ذیل ارائه می‌دهند:

راهکارهای برون‌رفت از بحران در جوامع اسلامی			
عملی		نظری	
مبارزه با استبداد	۱	مبارزه با حاکمان مستبد	۱
تربیت نیروهای جوان با تفکر ضد استبدادی	۲	مجهز شدن به علوم و فنون	۲
ترسیم وضعیت جهان اسلام برای مقابله با استبداد	۳	بازگشت به اسلام نخستین	۳
عدم مشروعیت حکومت استبدادی	۴	وحدت مسلمانان	۴
مبارزه با خودباختگی در برابر غرب	۵	احیاء روحیه جهاد در جامعه اسلامی	۵

## ۱-۶. نظری

### ۱-۱-۶. مبارزه با حاکمان مستبد

سیدجمال یکی از مهم‌ترین دلایل عقب‌ماندگی جوامع اسلامی را حاکم مستبد آن می‌داند و عقیده دارد که حاکمان مستبد برای نگه‌داشتن خود در قدرت دست به هر کاری می‌زنند تا بتوانند قدرت پوشالی خود را حفظ کنند لذا یکی از راه‌حل موجود برای برون‌رفت از بحران، مبارزه با حاکمان مستبد در ممالک اسلامی است. ایشان درباره ویژگی این حکومت‌ها چنین می‌گوید:

ملت را با تصرفات خود در پرتگاه تباهی و سقوط قرار می‌دهد و پرده جهل بر چشم‌های آنان می‌کشد و حوادث فقر و گرسنگی را به بار می‌آورد و در سلطه خود، از جاده عدل خارج می‌گردد و دردهای تازه از ستم می‌گشاید و قوی بر حقوق ضعیف غلبه پیدا می‌کند و نظام مختل و اخلاق فاسد می‌گردد و صدای ملت را کسی نمی‌شنود و ناامیدی چیره می‌گردد و چشم طمع به آن دوخته می‌شود و دول فاتح جنگ‌اله‌ای خود را در قلوب ملت فرومی‌برند (اسدآبادی، ۱۳۴۸: ۱۳۸).

سیدجمال در عروه‌الوثقی درباره مبارزه با استبداد و ریشه‌کن کردن آن چنین می‌گوید: اگر در ملت رمقی از حیات موجود و چیزی از آن به جا مانده باشد و خداوند خیر آن را بخواهد، اهل رأی و صاحبان همت از افراد ملت، گرد می‌آیند و برای از پا درآوردن این شجره خبیثه، دست‌به‌دست هم می‌دهند و پیش از آنکه امید علاج قطع گردد و تخم‌ها و اجزای زهرآگین و کشنده آن را در همه ملت بپراکنند، آن را ریشه‌کن می‌کنند (اسدآبادی، ۱۳۴۸: ۱۳۸).

شهید مطهری درباره مبارزات ضد استبدادی سیدجمال چنین می‌فرماید:

سید مبارزه عملی با استبداد را در جوامع اسلامی آغاز کرده بود و در خطبه‌های آتشین خود، مردم را به قیام دعوت می‌کرد، مریدان خود را به مبارزه تحریک می‌کرد، تا آنجا که قتل ناصرالدین‌شاه به تحریک او منتسب شد (اسدآبادی، ۱۳۷۹: ۱۱۲ مطهری، ۱۳۷۷: ۲۱).

### ۶-۱-۲. مجهز شدن به علوم و فنون

سیدجمال‌الدین اسدآبادی جزو معدود شخصیت‌هایی در جهان اسلام بود که بیشتر کشورهای اسلامی و غربی را دیده بود و نسبت به وضعیت عمومی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... آن‌ها اطلاعات داشت از این‌رو وقتی دید که غربی‌ها در حال پیشرفت هستند و در حال یادگیری و به کار بردن علوم و فنون جدید هستند این خلأ را در جوامع اسلامی کاملاً حس کرد و یکی از مؤلفه‌های اصلی شکل‌گیری بحران، عدم وجود علم و صنعت در این ممالک بود لذا تأکید همیشگی سید بر یادگیری علوم و صنایع جدید در کنار علوم قدیمی خود توسط مسلمانان بود تا بتوانند از قطار علم و صنعت که در غرب شروع شده بود عقب نیافتند، ایشان تأکید فراوان دارند که حتماً این علوم در کشورهای اسلامی بومی شده تا فرهنگ غرب را با خود به همراه نیاورد چون ایشان کاملاً فرهنگ غرب را چشیده بود و می‌دانست که اگر فرهنگ غرب وارد ممالک اسلامی شود خانمان‌سوز خواهد بود لذا تأکید دارد که علمی که از غرب وارد می‌شود باید بومی شده و همچنین باید به زبان مسلمانان تدریس شود به دلیل اینکه مهم‌ترین مؤلفه برای انتقال فرهنگ، زبان آن کشور است اگر علمی با زبان خاص وارد کشور دیگری شود آن علم با فرهنگ خاص خود وارد خواهد شد از این‌رو سیدجمال مخالف بود که علم که از غرب وارد می‌شود با زبان غیر بومی تدریس شود، چون می‌دانست این فرهنگ تأثیرگذار خواهد بود و در گذر زمان به استقلال ممالک اسلامی ضربه خواهد زد و معتقد بود که این علم باید در خدمت اسلام و انسانیت باشد اما اگر با فرهنگ غرب وارد ممالک اسلامی شود فرهنگ غرب را به ارمغان خواهد آورد که انسانیت و جایگاه آن و همچنین جایگاه دین برای آن‌ها از ارزش افتاده است (اسدآبادی، ۱۳۵۵: ۹۶-۹۳؛ صاحبی ۱۳۷۵: ۹۴).

### ۶-۱-۳. بازگشت به اسلام نخستین

یکی از مهم‌ترین راه‌کارهایی که سیدجمال برای اصلاح جامعه اسلامی که به حالت خمودگی دچار شده است بازگشت به اسلام اصیل را پیشنهاد می‌دهد و بر این اعتقاد است که پیرایه‌هایی که با عنوان خرافات در اسلام اضافه شده است باید زدوده شود از این‌رو ایشان درباره این موضوع چنین می‌گوید:

مثل اینکه اکثر مسلمانان از عوام و خواص، معنی قضا و قدر را این گونه فهمیده‌اند که باید انسان و اجتماع در راه آزادی و رهایی از بردگی و اسارت هیچ جنبشی از خود نشان ندهد، به گونه‌ای که عده‌ای، احادیث مربوط به آخرالزمان را به این معنی گرفته‌اند که هیچ کس نباید برای اصلاح و فلاح جامعه، کوچک‌ترین حرکتی را بنماید (سمندر، ۱۳۶۰: ۱۰۵).

#### ۶-۱-۴. وحدت مسلمانان

سیدجمال یکی از علل افول ملل اسلامی را عدم وحدت و وجود تشتت بین مسلمانان عنوان کرده و بر این نظر است مسلمانان اگر اتحاد و وحدت خود را حفظ می‌کردند مثل گذشته در قله علم و پیشرفت حرکت می‌کردند البته منظور سیدجمال از اتحاد، وحدت مذهبی نیست بلکه وحدت در حوزه سیاسی است. ایشان اعتقاد دارد برای اتحاد مسلمانان نیاز به ادله و براهین مختلفی نیست بلکه یکی از مهم‌ترین آموزه‌های دین اسلام، وحدت کلمه می‌باشد که پیامبر اسلام نیز بر این موضوع تأکید فراوان داشت. سیدجمال تأکید دارد که اگر اتحاد در بین ملل اسلامی و مسلمانان اتفاق بیفتد درب‌های پیروزی به روی مسلمانان گشوده می‌شود و فتح و نصر در نهایت با مسلمانان خواهد بود اما در تفرقه و تشتت هلاکت و نابودی است ایشان بر اساس آیه «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» استدلال می‌کند که با برادری و قرابت‌های اجتماعی و سیاسی فتح و پیروزی نصیب مسلمانان خواهد شد. ایشان در این باره چنین می‌گوید:

«این ناموس خداوندی را در جمعیت‌های بشری ملاحظه می‌نماییم که نصیب هر یکی از هستی، تنها به مقدار بهره‌ای است که از اتحاد برده و پیمانۀ عظمت آن به حساب کارایی آن در پیروزی است» (سمندر، ۱۳۶۰: ۹۸).

#### ۶-۱-۵. احیاء روحیه جهاد در جامعه اسلامی

در بررسی دین اسلام و مسیحیت برخی از گزاره‌ها کاملاً مشهود است که تفاوت‌های فراوانی در حوزه‌های مختلف کلامی، فقهی و سیاسی بین اسلام و مسیحیت وجود دارد از جمله این گزاره‌ها، موضوع جهاد است مسیحیت با ادعای صلح و مسالمت، شعار صلح‌طلبی سر داده و خود را صلح‌طلب می‌نامند اما در مقابل اسلام برای دفاع مشروع از دین اسلام و خاک

کشورهای اسلامی بر امر جهاد تأکید داشته و دارد اما در مصداق واقعی این دنیای مسیحیت است که جنگ‌های صلیبی به راه انداخته و تعداد بشماری از مسلمانان را قتل و عام کردند همچنین در دوره برده‌داری، انسان‌های بی‌گناهی را به بردگی گرفته و ظلم‌های فراوانی در اقصی نقاط جهان نسبت به بشریت انجام دادند و در نهایت تور استعمار را بر سر اکثریت جهان به‌خصوص مسلمانان انداختند و با دور نگه‌داشتن مسلمانان از علم و پیشرفت توانستند بر معادن و ذخایر آن‌ها مسلط شوند ولی مسلمانان در این موضوع سستی از خود به خرج داده و کوتاهی کردند لذا سیدجمال بر امر جهاد تأکید داشته و خواهان احیای فریضه جهاد در مقابل کشورهای زورگو و استعمارگر می‌باشد لذا در این باره چنین می‌گوید:

ما می‌دانیم که همه مسلمانان و مردم وطن‌پرست، فرض ذمه خود می‌دانند تا در حدود طاقت و امکان، در جهت خلاف مسیر انگلیسی‌ها به حرکت درآیند و موانع را بر سر راه ایشان ایجاد کنند تا بدین ترتیب وظایف دینی و ملی خویش را به سر برسانند و برای تحریک به چنین عملی شریف، به فرمان سلطانی نیازی ندارند. چونکه قانون مندی‌های طبیعی و شریعت خداوندی در هر ملت و به هر یک از سرزمین‌ها، از هر شخصی، حمایت از وطن و دفاع از محروسه آن را تقاضا دارد و مرگ را در راه طرد عصیان گران خاک و وطن، مجاز و حتی واجب می‌گرداند و هر صاحب اندیشه را به اتخاذ تدابیر لازم در برابر مکر حيله گران و پرهیز از ارواح شریر و ناپاک وامی‌دارد (اسدآبادی، ۱۳۴۸: ۱۸۹).

۲-۶. عملی.

۱-۲-۶. مبارزه با استبداد

سیدجمال در طول حیات خود، با دو عنصر استبداد و استعمار مخالف بود و با آن‌ها مبارزه می‌کرد. در مراحل ابتدایی شروع مبارزات، ایشان به‌صورت مسالمت‌آمیز، نکاتی را به شاه ایران (ناصرالدین شاه) عرضه می‌داشت تا در امور کشورداری دست افرادی که خواهان اصلاح در ایران نیستند را از حکومت قطع کند و اجازه ندهد این افراد تملق‌گوی و وطن‌فروش در درون حاکمیت جولان داده و منافع کشور را به سمن بخش به کشورهای بیگانه بفروشند، و مانع اصلاحات در ایران شوند درباریان به خاطر این موضوع با سیدجمال

دشمنی پیدا کرده و شروع به سعایت از ایشان پیش شاه ایران کردند سیدجمال درخواستی که از شاه ایران به‌عنوان یکی از ممالک اسلامی داشت، قانونمند کردن کشور بود، ایشان در نظر داشت کشور ایران مانند ممالک غربی دارای قانون بوده و قدرت در دست قانون و پارلمان باشد. سیدجمال از ابتدای مخالف خود با استبداد به‌صورت کاملاً شفاف و صریح حرف‌های خود را مطرح می‌کرد از این‌رو مورد مخالف و دسیسه‌چینی دربار قرار گرفت سید برای بصیرت‌افزایی و روشننگری در جوامع اسلامی مخصوصاً در ایران سخنرانی‌های فراوان، مقالات متعدد، راه‌اندازی مجله و روزنامه را در فعالیت‌های سیاسی خود دارد. سیدجمال تمامی این فعالیت‌های را در دوره‌ای رقم زده است که کشورهای استعماری پنجه خود را در کشورهای اسلامی فرو برده و به‌صورت مستعمره یا نیمه مستعمره در حال چپاول منابع و ثروت‌های اقتصادی آن‌ها بود (اسدآبادی، ۱۳۴۹: ۱۱۲).

همچنین سیدجمال توسط سخنرانی‌ها و مقالاتی که در روزنامه و مجلات مختلف چاپ می‌کرد نظرات خود را به اطلاع مردم می‌رساند و به دنبال روشن کردن عوام و خواص جامعه در راستای مخالفت با استبداد بود و از این طریق حکومت‌های استبدادی را به چالش می‌کشاند. لذا یکی از مهم‌ترین کارهای ایشان برای آگاهی دادن و بصیرت‌افزایی در بین مردم، تحصن در حرم حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام و سایر اماکن مذهبی بود، همچنین سخنرانی‌های فراوان ایشان در مجالس مختلف و نوشتن مقالات و... بخش دیگری از فعالیت‌های بصیرت‌افزای ایشان در راستای مبارزه با استبداد در ممالک اسلامی بود که با این وسیله افراد زیادی را با خود همراه می‌کرد (صاحبی، ۱۳۷۵: ۲۳۱).

#### ۶-۲-۲. تربیت نیروهای جوان با تفکر ضد استبدادی

یکی از کارهای مهمی که سیدجمال در طول مبارزات خود انجام داد ارتباط با جوانان جامعه در ممالک کشورهای اسلامی بود ایشان همیشه سعی می‌کرد مطالب مهم در حوزه سیاسی و اجتماعی و وقایعی که در کشورهای اسلامی در حال وقوع است، جوانان مطلع شوند تا بتوانند در آینده در کشورهای خود تأثیرگذار باشند لذا شاگردان ایشان تحت تأثیر افکار و عملکرد سیدجمال نقش‌های مهمی را در جهان اسلام ایفا کردند. از مهم‌ترین

فعالیت‌های شاگردان وی بنا به نقلی، ترور ناصرالدین‌شاه پس از ناامید شدن از انجام اصلاحات در ایران تحت تأثیر افکار سیدجمال صورت گرفت (اسدآبادی، ۱۳۴۹: ۱۶۳).

#### ۲-۶-۳. آگاه ساختن علماء از اوضاع جهان اسلام برای مقابله با استبداد

یکی از کارهای خوب و دقیق سیدجمال ارائه گزارش و رویدادهایی که در کشور ایران توسط ناصرالدین‌شاه اتفاق می‌افتاد به مراجع تقلید و فقهای بزرگی چون: میرزای شیرازی، میرزا حبیب‌الله رشتی، میرزا جواد تبریزی، سید علی‌اکبر فال اسیری، میرزا ابوالقاسم کربلایی، میرزا حسن آشتیانی، آقا محسن عراقی، شیخ محمدتقی اصفهانی و سایر علماء صاحب نفوذ در حوزه نجف بود. مهم‌ترین دلیل سیدجمال برای این کار، آگاهی دادن، باز کردن افق پیش رو در مواجهه با شاه دیکتاتور و ترسیمی از فضای استبداد و استعمار زده ایران به‌عنوان ام‌القری تشیع در دنیا بود، لذا چون سیدجمال شخصیتی دنیادیده بود و تبیین درستی از وضعیت اجتماعی و سیاسی ممالک اسلامی به‌خصوص ایران ارائه می‌کرد فقها و مراجع عصر خویش، نسبت به تحلیل‌های ایشان اعتماد داشته و در برخی موارد نسبت به گزارش‌های ایشان تصمیماتی را اتخاذ می‌کردند (مدرسی چهاردهی، ۱۳۶۰: ۲۳۸).

#### ۲-۶-۴. عدم مشروعیت حکومت استبدادی

مبارزه سیدجمال با حکومت استبدادی در ممالک اسلامی دارای دو مرحله اصلاح و براندازی است، در ابتدای سیدجمال به‌صورت مسالمت‌آمیز با حکومت استبدادی ناصرالدین‌شاه وارد مذاکره شد تا بتواند قانونی را برای کشورداری تهیه و وزرا و سایر عمال حکومتی بر مبنای قانون بر کشور حکومت کنند در این بین صدراعظم (امین السلطان) و سایر وزرا با سیدجمال دشمنی کرده و شاه را علیه ایشان تحریک کردند و دو بار تقابل سختی بین شاه و سیدجمال اتفاق افتاد که در مرحله دوم، سیدجمال در حرم حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام تحصن کرد و در نهایت از ایران مهاجرت کرد، مرحله دوم براندازی و تقابل سخت سیدجمال با حکومت خودکامه ناصرالدین‌شاه در ایران بود، ایشان در تلاش بود تا حکومت قاجار را در ایران منقرض کرده و حکومتی بر مبنای دموکراسی بر سر کار آید. فعالیت‌های سید باعث شد مقبولیت و مشروعیت حکومت قاجار در بین مردم کمتر شده و مردم در مقابل حکومت قرار گیرند که



نهضت تنباکو، مشروطه و... جزو ثمرات فعالیت‌های سیدجمال در مبارزه با استبداد در ممالک اسلامی بود (مدرسی چهاردهی، ۱۳۶۰: ۳۲۴).

#### ۶-۲-۵. مبارزه با خودباختگی در برابر غرب

بعد از شروع انقلاب صنعتی در غرب، کشورهای غربی به دلایل مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... سعی بر گسترش تمدن نوظهور خود به‌عنوان تمدن غالب در دنیا را داشتند و مسلمانان که سالیانی بود از پیشرفت و علم به دور بودند از زرق و برق صنعت غرب به وجد آمده و شیفته و مرعوب این نوع پیشرفت غرب شده و تمام تلاش خود را کردند تا بتوانند شبیه غربی‌ها باشند و در سبک زندگی خود هم در حوزه فردی و هم در حوزه اجتماعی از آن‌ها تقلید کنند از این رو چون علم را در خود نهادینه نکرده بودند صرفاً به کشورهای مصرف‌گرای تجمل‌پرست تبدیل شده و کشورهای شبه ترقی و مصرف‌گرا شدند اما سیدجمال چون از نزدیک مظاهر غرب را دیده بود فریفته مظاهر غرب نشد و همیشه موضع‌گیری‌هایی که درباره غرب داشت کاملاً مخالف آن چیزی بود که تصور مردم نسبت به غرب بود ایشان کشورهای غربی را استعمارگری خون‌خوار می‌دانست که برای رسیدن به مطامع خود از هیچ جنایتی فروگذاری نمی‌کند. و نسبت به مسلمانان انتقاد داشت که چرا شیفته ظواهر غرب شده‌اند در حالیکه غرب طبل توخالی است و نباید فریب غرب را خورد. تمام تلاش سید بر این مهم بود که این خودباختگی را از ذهن مردم و مسلمانان دور کند لذا در یکی از مقالات خود در عروه‌الوثقی در بخش اسطوره معروف (مسجد مهمان کش) نوع مواجهه غرب با مسلمان را به تصویر می‌کشد (مطهری، ۱۳۷۷: ۲۹؛ اسدآبادی، ۱۳۴۸: ۴۲).

#### نتیجه‌گیری

سیدجمال به دلیل آشنایی با وضعیت سایر ملت‌های جهان، اعتقاد راسخ داشت که بدون تحول فکری هیچ ملتی قادر به تغییر سرنوشت خود نخواهند شد باید در مرحله اول فکر تغییر کند سپس اصلاح در جامعه به وجود بیاید و درنهایت حرکت به سوی تغییر سیاسی و اجتماعی اتفاق افتاد همچنین ایشان دو شرط مهم برای رسیدن به جامعه آرمانی را ذکر می‌کند که آن: مبارزه با استبداد داخلی که شاهان و سلاطین خودکامه به وجود آورده بودند و

دیگری استعمار خارجی که کشورهای سلطه‌گرم مانند زالو خون ملت‌های دیگر را می‌مکند و تمام منابع کشورهای زیر سلطه خود را برای پیشرفت و آبادانی خود به سرقت برده و دیگران را به خدمت می‌گیرند و استثمار می‌کنند. لذا ایشان بیداری اسلامی را برای مسلمانان ضروری دانسته تا توسط آن بتوانند از منافع خود در تمامی حوزه دفاع کنند.

مقاله حاضر با چارچوب مفهومی بحران اسپریگنز در تلاش بود راه‌حل سیدجمال را برای برون‌رفت از بحران‌های موجود ارائه دهد. در ابتدا سیدجمال وضعیت جهان اسلام را بررسی و بحران‌های موجود را برشمرده سپس علل وجود بحران در جوامع اسلامی را مشخص می‌کند و در مرحله بعد جامعه مطلوب خود را ترسیم کرده و در نهایت راهکارهای نظری و عملی خود را برای رسیدن از وضع موجود به وضع مطلوب ارائه می‌کند.

جدول ۲: فهرست علل بحران‌های جوامع اسلامی

علل وجود بحران در جوامع اسلامی		
خارجی	داخلی	
استعمار	استبداد	۱
	دور شدن از معارف اصیل اسلام	۲
	عدم وحدت اجتماعی	۳
	خرافات و جهل	۴
	جدایی دین از سیاست	۵
	وابستگی به غرب	۶

(منبع: یافته‌های پژوهش)

جدول ۳: فهرست راهکارهای برون‌رفت از بحران در جوامع اسلامی

راهکارهای برون‌رفت از بحران در جوامع اسلامی			
عملی		نظری	
مبارزه با استبداد	۱	مبارزه با حاکمان مستبد	۱
تریت نیروهای جوان با تفکر ضد استبدادی	۲	مجهز شدن به علوم و فنون	۲
آگاه ساختن علماء از اوضاع جهان اسلام برای مقابله با استبداد	۳	بازگشت به اسلام نخستین	۳
عدم مشروعیت حکومت استبدادی	۴	وحدت مسلمانان	۴
مبارزه با خودباختگی در برابر غرب	۵	احیاء روحیه جهاد در جامعه اسلامی	۵

(منبع: یافته‌های پژوهش)

## کتابنامه

نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.

اسپریگنز توماس (۱۳۷۰). فهم نظریه‌های سیاسی. (فرهنگ رجایی، مترجم)، تهران، آگاه.  
اسدآبادی، سیدجمال‌الدین (۱۳۴۸). عروه الوثقی. (زین‌العابدین کاظمی خلخالی، مترجم).  
تهران، حجر.

اسدآبادی، سیدجمال‌الدین (۱۳۵۵). مقالات جمالیه. (ابوالحسن جمالی، مصحح). تهران،  
طلوع آزادی.

اسدآبادی، سیدجمال‌الدین (۱۳۵۹). نیچریه یا مادیگری. قم، دفتر انتشارات اسلامی.  
اسدآبادی، میرزا لطف‌الله (۱۳۴۹). شرح حال و آثار سیدجمال‌الدین اسدآبادی. قم، دارالفکر.  
اسدآبادی، سیدجمال‌الدین (۱۳۷۹). نامه‌ها و اسناد سیاسی تاریخی. (سیدهادی  
خسروشاهی، به کوشش). تهران، کلبه شروق.

افشار ایرج (۱۳۸۹). سواد و بیاض: مجموعه مقالات، تهران، اساطیر.  
جمالی اسدآبادی، صفات‌الله (۱۳۴۹). اسناد و مدارک درباره سیدجمال اسدآبادی. قم،  
انتشارات حوزه علمیه قم.

جمالی اسدآبادی، صفات‌الله (۱۳۷۹). زندگی و مبارزات سیدجمال‌الدین اسدآبادی.  
(سیدهادی خسروشاهی، به کوشش). قم، کلبه شروق.

حائری، عبدالهادی (۱۳۶۴). تشیع و مشروطیت در ایران. تهران، امیر کبیر.  
حلبی، علی اصغر (۱۳۸۳). زندگی و سفرهای سیدجمال‌الدین اسدآبادی. تهران.  
سمندر عبدالله (۱۳۶۰). گزیده عروه الوثقی سیدجمال‌الدین حسینی. تهران، مولوی.  
صاحبی، محمدجواد (۱۳۷۵). سیدجمال‌الدین اسدآبادی بنیان‌گذار نهضت احیاء فکر دینی.  
تهران، فکر نور.

ضابطپور، غلامرضا (۱۳۸۷). اندیشه سیاسی سیدجمال‌الدین اسدآبادی. تهران، کانون اندیشه  
جوان.

طباطبایی، سیدجواد (۱۳۶۷). سیدجمال‌الدین اسدآبادی، دایره المعارف بزرگ اسلامی.  
تهران، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.

طباطبایی، محمد محیط (۱۳۵۲). نقش سیدجمال‌الدین اسدآبادی در بیداری مشرق زمین.  
قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

عنايت، حميد (۱۳۵۸). سیری در اندیشه سیاسی غرب. تهران، امیرکبیر.  
کیخا، نجمه (۱۳۹۹). حکمت و سیاست در اندیشه سیدجمال‌الدین اسدآبادی. پژوهش‌های  
راهبردی سیاست، ۹(۳۵)، ۱۹۹-۲۲۱.

مجتهدی، کریم (۱۳۶۳). سیدجمال‌الدین اسدآبادی و تفکر جدید. تهران، تاریخ ایران.  
مدرسی چهاردهی، مرتضی (۱۳۹۰). سیدجمال‌الدین و اندیشه‌های او. تهران، امیرکبیر.  
مدرسی، مرتضی (۱۳۳۷). آراء و معتقدات سیدجمال‌الدین افغانی. تهران، اقبال.  
مدرسی، چهاردهی، مرتضی (۱۳۶۰). سیدجمال‌الدین و اندیشه‌های او. تهران، سپهر.  
مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). بررسی اجمالی نهضت‌های اصلاحی در صد ساله اخیر. قم، صدرا.  
مقدم، محمداقرا (۱۳۷۴). سیدجمال‌الدین اسدآبادی غریو بیداری. قم، سازمان تبلیغات  
اسلامی.

موثقی، سید احمد (۱۳۸۸). سیدجمال‌الدین اسدآبادی: مصلحی متفکر و سیاستمدار. قم،  
بوستان کتاب.

موسوی، سید مهدی (۱۳۸۹). تأثیر حکمت متعالیه بر شخصیت و اندیشه سیدجمال‌الدین  
اسدآبادی، مجموعه مقالات سیاست متعالیه از منظر حکمت متعالیه. قم، پژوهشگاه علوم و  
فرهنگ اسلامی. ۲۹۵-۲۶۱.

واتقی، صدر (۱۳۵۵). سیدجمال‌الدین حسینی پایه‌گذار نهضت‌های اسلامی. تهران، پیام.

واتقی، صدر (۱۳۴۸). سیدجمال‌الدین پایه‌گذار نهضت‌های اسلامی. تهران، نشر تهران.